

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من میاد بدین بوم ویر زنده یک تن میاد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

نسرین معروفی و خلیل معروفی

برلین - ۱۷ جنوری ۲۰۱۷

## سپاس از دوستانِ غم‌شریک

روز ۲۶ دسمبر ۲۰۱۶ خبر مرگ ناگهانی و نابهنگام برادر دل‌بندم "علی محمد جان" از کابل در رسید؛ خبری که زمین و زمان را بر ما شب تار ساخت و ....

مانند کسی، که سیاهی پخش کرده باشد، سست شدیم و کرخت و درخت ماندیم. ما اینک حالت مارگزیده ای را داریم، که هنوز به خود نیامده و عمقِ فاجعه را درک کرده نمی‌تواند ....

علی جان از ما قهر کرد؛

دلش نمی‌شد، ما را ببیند؛

و یا با ما گپ بزند؛

سر را یکسره در زیر خاک پنهان کرد، تا

تا ابدالآباد پنهان بماند ....

غمی بدین گرانی و ماتمی به سنگینی دوجهان و کون و مکان، کوه را آب می‌کند و فولاد را مُذاب. مگر چنان، که کابلیان اصیل از قدیم گفته اند:

«آدمی از سنگ سخت تر اس و از گل نازکتر!!!»

به چشم سر و با دیده تر و سوزِ جگر دیدیم، که برادر نازنینم، علی جان، نازکتر از برگ گل بود و ما سخت تر از سنگ و فولاد و ....

درین ماتم جانگداز دوستان غم‌شریک از اقصی نقاط عالم و کران تا کران جهان در کنار ما بایستادند و گوشه ای از غم ما را برداشتند؛

تلفونها کردند؛

پیامها نوشتند؛

ایمیلها فرستادند

تا به رسم مرسوم و پسندیده ما، دل‌سائی بدهند و تسلیت بگویند، که دادند و گفتند ....

خانه‌شان آباد و غم و ماتم از ایشان و عزیزانشان دور باد؛ دور دور دور!!!

پاس دوستانی را می‌دانیم، که در چنین روزی بر زخمهای ما مرهم نهادند ....

از میان تمام پیامهای عزیزان دلسوز و غمگسار فقط دوتا را درینجا نقل می‌کنم:

پیام داکتر صاحب "ظاهر جان تیموری" فرزند ارشد "تیموری صاحب بزرگوار"، که یادشان در

نزد من مُدام عزیز و مکرّم است - ۳۰ دسمبر ۲۰۱۶

بدین وسیله تأثرات عمیق قلبی خود و فامیلم را به مناسبت وفات (دیپلوم انجنیر علی محمد معروفی) برادر استاد گرامی و عالیقدر (دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی)، در کابل، به جناب استاد محترم معروفی صاحب و محترمه دیپلوم انجنیر نسرین جان معروفی اظهار می‌دارم. روح متوفی شاد باد. داکتر تیموری

**قانون جاودان طبیعت بود چنین:**

**رفتند و می‌رویم و دگرها روانه باد**

ظاهر جان ارجمند را باربار دیده و مهمانش بوده ام، یکجای با قبله گاه عالیشان‌شان - "تیموری صاحب" - که شاعری بودند بلندمرتبت و نویسنده ای بودند، گهرنویس.

ظاهر جان عزیز بیتی از یکی از غزلهای این درویش را جهت تسلی خاطر ما پیش کشیده است، که عین واقعیت را بیان می‌کند؛ و راه دگری نداریم، مگر این، که آن را به حیث یک قانون نافذ و بیرحم طبیعت قبول بکنیم ....

تعزیتنامه دوست و برادر صمیم، "شکیب جان امان" - ۳۰ دسمبر ۲۰۱۶ - شهر سدنی - استرلیا:

جناب برادر بزرگوار، دانشمند و گرامیم، محترم معروفی صاحب!

امروز از طریق سایت معظم "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اطلاع حاصل کردم، که شما و فامیل های نجیب تان وفات برادر عزیز تان را با صبر و بردباری قبول فرموده در سوگواری آن مرحوم می‌باشید. لطف کرده من و فامیلم را به حیث دوستان و آشنایان خود درین غم شریک و همدریف دانسته و اجازه دهید بالای گلیم ماتم این عزیز جایی داشته باشیم. به شما و اعضای فامیل هایتان صبر جمیل آرزو مندم.

**شما و اعضای فامیل های شریف تان را به خرد و الایتان می سپارم!!!**

"شکیب جان امان" را حضوری ندیده ام و عکس و تصویری هم از او ندارم؛ تماس ما فقط از طریق تلفون و ایمیل برقرار بوده است. وی نیز اما به حیث یک دوست عاشق افغانستان، در دلم مقام و جایگاهی حاصل کرده است، کم همتا. شکیب عزیز شعر دوست است و شعر فهم و ادبشناس، که بعضاً اشعار نغز را انتخاب کرده هدیه پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" می کند؛ و صدها حیف، که هنوز نمی نویسد.

هر بار با هم گپ می زنیم، از سخنان نواز شگر و قصه های شیرین و دلبرش لذت می برم، قوت قلب می گیرم و تشویق می کردم. تشویق می کردم، تا راهی را، که در نوشتن و نگارش در پیش گرفته ام، کماکان ادامه دهم.

شکیب عزیز، که از نوشته های سرگردانم خوشش آمده بود، تلفونم را پیدا کرده، برایم زنگ زد. و چه خوب، که از اولین تماس تلفونی، شیفته خلوص باطن و طینت پاک او و عشق والایش به وطن گشتم. اینک، که حدوداً سه سال از آن رویداد فرخنده می گذرد، دوستی و صمیمیت ما پایرجای است، که مُدام باد تا مادام العُمر!!!

فرض ذمه خود می دانیم، تا سپاس و امتنان قلبی خود و اعضای فامیل خود را خدمت یکایک این عزیزان غمشریک تقدیم نموده و تمنا کنیم، که از زندگانی برخوردار باشند و ...

برحذر بمانند از گزندِ روزگار!!!

با محبت های فراوان

نسرین معروفی + خلیل معروفی